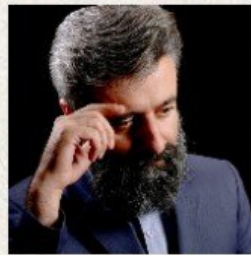


< هو الحکیم >

عنوان:

آیا نظام آفرینش را خداوند احسن خلق کرده است؟!



دکتر وحید باقر پورکاشانی

© صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ©



@SERATEHAGHI

آیا این نظام ما نظام احسن هست یا نیست؟ یعنی آیا می‌توانست از این بهتر باشد؟! وقتی نقطه‌ای بخواهیم نگاه بکنیم، مثلاً قوه‌ی باصره‌ی قوی‌تری به شما می‌داد، مثل عقاب! قوه‌ی سامعه‌ی قوی‌تری به شما می‌داد، مثل موش! قوه‌ی شامه‌ی قوی‌تری می‌داد، مثلاً مثل سگ یا مثل موش کور! به این صورت قوای انسان قوی‌تر می‌شد! قابلیت‌هایش بالاتر می‌رفت! پس وقتی نقطه‌ای در نظر بگیریم می‌شود؟

بله می‌شود! یا یک فردی را نگاه کنید که فلج هست، آیا این فلج را می‌تواند سالم کند؟ بله!

بهتر نبود سالم باشد؟ این کور، بهتر نبود بینا باشد؟ اما اگر چنانچه کل نظام آفرینش را به عنوان پازلی قرار بدیم، روی هم رفته می‌شود «نظام احسن»!

نقطه‌ای بخواهیم نگاه بکنیم، بله می‌توانست که هر کدام بهتر باشد! مثل این می‌ماند یک قطعه پازل رنگش خیلی قشنگ هست مثلاً رنگ قرمز و دورش سبز؛ یک پازل هم سیاه‌سیاه هست! بعد این دو پازل را نگاه می‌کنیم می‌گوییم این پازل بهتر بود سیاه‌سیاه باشد یا اینکه قرمز و سبز و آبی و رنگارنگ؟! می‌گوید سیاه‌سیاه که دل آدم می‌گیرد!

این را سه چهار رنگش بکند! حداقل سیاه و سفیدش  
بکند یک رنگ نباشد! این سه رنگ هست! می‌گی بله!  
می‌توانی بگویی که این پازل سیاه، احسن هست؟  
می‌گویند نه! پازلی که به ذهن من می‌آید خیلی قشنگ‌تر  
از این را می‌توانیم در نظر بگیریم!


حالا فرض بکنید این‌ها همه را یک رنگ کنند، حالا این‌ها  
را کنار هم بگذارند، یک چیز معوجی به وجود می‌آید! یک  
چیز بی‌مفهوم و یک چیز زشتی به وجود می‌آید! می‌گویند  
آقا این چه مدلش هست؟ این دیگر چه پازلی هست؟  
این چیز مسخره‌ای هست! اصلاً نقشی نیست! رو هم  
رفته این چه زیبایی دارد؟! اما اگر این دگرگونی‌ها و  
تغییرات که در نگاه ما هر کدامش هم ممکن هست که  
یک اشکالاتی بهش وارد بکنیم، کنار همدیگر قرار  
بگیرند به مانند یک پازلی، می‌بینی یک تصویر زیبایی  
به وجود آمد که رو هم رفته این می‌شود احسن؛ حالا  
مخلوقات را اگر به صورت نقطه‌ای بخواهی نگاه بکنی،  
بله! می‌شود نقص گرفت! هر موجودی را می‌شود یک  
نقصی برایش در نظر گرفت! اما اگر در کنار همدیگر  
این‌ها را در نظر بگیریم، این زیباست! و فقط نگاه این  
دنیا به آن نداشته باشیم!

با توجه به این دنیا و آن دنیا، موجود مختار، امتحان،  
آزمون، نتیجه، تمام این‌ها را روی هم رفته بخواهی حساب  
بکنی، این نظام، نظام احسن هست!

اما به صورت نقطه‌ای، نه! پس اینکه نظام احسن خلق  
شده، بله! احسن خلق شده! مثلاً مثالی برای شما  
می‌زنم: ممکن است یک نفر بگوید الاغ بهتر است یا  
انسان؟

الاغ هم مخلوق خداوند هست، انسان هم مخلوق خداوند  
هست! طرف فکر می‌کند می‌گوید انسان بهتر هست!  
می‌گوید این الاغ‌ها را انسان خلق می‌کرد!

گوسفند خلقش بهتر است یا انسان؟! می‌گوید معلوم  
است! انسان! بعد می‌گوید پس این نقص هست! این  
گوسفندها را هم انسان خلق می‌کرد! همین‌طور یک به  
یک! بعد همه می‌شد انسان! خوب انسان چه چیزی  
بخورد؟! هر چی را نگاه بکنی! این تره خلق کرده، این تره  
خوب است یا انسان؟ همه را می‌خواست که به این  
صورت در نظر بگیرد، به هر حال این‌ها باید در کنار  
همدیگه باشد، موجود مادون در خدمت موجود مافوق  
باشد، تکامل موجود مافوق در ارتباط با موجود مافوق  
خودش را رسیدن و در خدمت موجود مافوقش باشد!  
این‌ها در کنار همدیگر قشنگ هست!



یک پازلی که نگاه می‌کنیم، مثلاً فرض بکنید که یک انسان زیبایی را که روی یک صندلی نشسته در نظر بگیری، این پازل را نگاه کن، طرف توی یک جنگلی هست، بوستانی هست، یک آبشاری هست، رودخانه‌ای زیرش هست؛ می‌گویند این رودخانه قشنگ است یا انسان؟ می‌گویند انسان! این سبزی‌ها قشنگ است یا انسان؟ این غروب قشنگ است یا انسان؟ می‌گویند انسان! اگر همه را انسان می‌کرد یک چیز بی‌ریختی می‌شد! این‌ها در کنار همدیگر باید باشد که تابلوی زیبایی رو بخواهد به وجود بیاورد!

لذا خداوند متعال، پروژه‌های مختلف داشته، بنا نبوده همه را پروژه‌ی انسان خلق بکند! فرشته هم داشته! جن هم دارد! موجودات دیگری در روایات هست در کهکشان‌ها و در نقاط دیگری که ما از آن‌ها خبر نداریم، آن‌ها از ما خبر ندارند آن‌ها را هم دارد! حیوانات مختلف دارد، در انواع مختلف موجوداتی خلق کرده! این‌ها را وقتی نگاه می‌کنیم، در کنار همدیگر این‌ها نظام احسنی هست! پروژه‌ها متفاوت است!


مثلاً ما پروژه‌های داریم در مورد مخلوقات،  
فاعل موجب هست یعنی مجبور است!  
مثل آتش!

شما آتشی را دیدی که مثلاً بگوید من دوست ندارم نور  
بدهم!؟

حالا من دوست ندارم حرف بزنم! نگاه؛ سکوت می‌کنم!  
حرف زدن، فعل من هست!

آتشی باشد که بگوید من نور نمی‌خواهم بدم!؟  
آتشی بگوید من نور می‌خواهم بدم، حرارت نمی‌خواهم  
بدم!؟

می‌شود چنین چیزی را در نظر گرفت!؟



این فاعل موجب هست، مجبور هست! فعلش هم  
مجبور هست ازش صادر شود؛ پس این یک  
پروژه. پروژه‌ی دیگر: فاعل را مختار قرار داده، مثل  
انسان! عقل داده، اختیار هم داده؛ لَهو أن افعل لَهو أن لا  
یَفعل؛ فعلی را انجام دهد، فعلی را ترک کند؛ با توجه به  
عقلش جهات مختلف را بسنجد. این آتش را که  
امتحانش نمی‌کنند!


زیرا همه‌ی آتش‌ها نور و حرارت می‌دهند! می‌گویند تو  
آتش چون نور ندادی بیا برو مثلاً تو جهنم؟! یا مثلاً  
چون تو خوب نور دادی...! می‌گویند من هم‌لن اندازه که  
آتش بودم همان اندازه نور و حرارت می‌دهم، هر قدر  
باشد همان قدر می‌دهم، بیشتر باشد بیشتر می‌دهم!  
به اندازه‌ی ظرفیت وجودی‌ام اثرم هم همین‌طوری  
هست! اما یک انسان ممکن هست ۱۵۰ کیلو باشد به  
مفت ارزش نداشته باشد! یک انسان ۵۰ کیلویی ده تای  
او فایده داشته باشد! پس این اراده دارد، این اختیار دارد،  
این موجود مختار هست، خودش می‌تواند فعالیت کند  
از عقلش استفاده کند، خدمت کند به خودش به  
دیگران، در جهت عبادت خداوند قرار بگیرد! اما آتش که  
نمی‌تواند چنین کاری را بکند! لذا پروژه‌ها مختلف  
هست!

پروژه‌ی مختار داریم، موجود مختار؛ ملائکه هم همین هستند، جن هم همین هست، انسان هم چنین هست. در ارتباط با فاعل موجب داریم، مجبور هستند؛ که البته در حین اینکه مجبور هستند یک‌سری کارها را انجام بدهند، در یک اموری هم اختیار دارند. این بحث پیچیده‌ای هست که هر موجودی، علم به خداوند دارد و هر موجودی تسبیح خداوند را می‌کند و هر موجودی عبادت خداوند را می‌کند. فلذا عبادت‌ها ممکن است در ارتباط با موجودات مختلف باشد. مثلاً دو تا اسب باشند، یک اسب آن قدر تقرب پیدا کند مثل اسب سیدالشهدا علیه‌السلام! یک الاغ مثل الاغ بلعم باعورا سواری به بلعم باعورا ندهد! که بلعم باعورا این قدر این را بزند تا کشته شود! در مسیر خلاف خدابه این سواری ندهد مقابله کند! یک سگ ممکن هست که پاچه بگیرد، گاز بگیرد! یک سگ هم سگ اصحاب کهف بشود ببرند به بهشت! پس همان سگ هم در جهات خودش یک‌سری اموری دارد. گیاهان هم همین‌طور هست! در روایات هست که بعضی گیاهان ثمره‌ی افزونی دارند، بعضی‌ها بی‌ثمر هستند! فقط سبز هست! آب مصرف می‌کند، سبز هست فقط سایه می‌دهد! بعضی‌ها میوه دارند! فرمودند این‌ها امتحان شدند! این بحث پیچیده‌ای هست!

@MAHDISM\_12

@SERATEHAGHI





این‌ها امتحان شدند؛ این‌ها که میوه‌های بهتری دارند،  
این‌ها مؤفق‌تر بودند! ثمره‌ی بهتری در اختیار این‌ها  
قرار گرفت. بعضی‌ها یک علف سمّی هستند! گاو هم  
بخورد مسموم می‌شود چه برسد به انسان! بعضی‌ها نگاه  
می‌کنی مثلاً یک ریحون! مثل علف هست‌ها! اما خوشبو،  
خوش‌طعم! این‌ها متفاوتند. پس ببینید پروژه‌ها مختلف  
بوده؛ بنا نبوده همه را انسان خلق کند! بنا نبوده همه را  
حیوان خلق کند! بنا نبوده همه را گیاه خلق کند! بنا نبوده  
همه را ملک خلق کند! خداوند پروژه‌های مختلفی را ایجاد  
کرده، منتهی بحث سر این است که به میزان امکاناتی که  
داده، این‌ها را مؤاخذه کرده. یعنی توقعی که فرض بکنید  
از یک ملک دارد که شهوت درش راه ندارد، خیلی توقع  
بیشتری هست نسبت به انسانی که نفس اماره بهش  
داده! شیطان هم روی ذهن این هست ول کنش نیست!  
این با ملک فرق می‌کند! لذا آن ملک اگر ترک اولی بکند،  
خداوند متعال مؤاخذه‌ش می‌کند، مثل فِطْرُس ملک! یا  
ملک دردائیل!

@MAHDISM\_12

@SERATEHAGHI

اما انسان را می‌گویند نه حالا! فکر گناه هم بکنی گناه نیست و گناه هم بکنی توبه کنی و...! آسان گرفته! لذا این‌ها متفاوت هست! به میزان امکاناتی که می‌دهد مؤاخذه می‌کند. از همه یک جور نمی‌خواهد! یا توقعی که از یک انسان دارد از الاغ ندارد! زیرا به الاغ به آن مرتبه عقل نداده! حالا بگویند الاغ تو چرا قرائت نماز را این‌طوری کردی؟! چرا تو مثلاً لگد زدی؟! به این شکل سخت بگیرد نسبت به انسان! نه! خلقتش در همان سطح هست! باز توقعی هم که از یک الاغ دارد از یونجه ندارد! یونجه اندازه‌ی یونجه بودن خودش! می‌خواهم بگویم این‌ها متفاوت هست؛ پس یک مسئله این‌طوری هست که پروژه‌ها مختلف، و در هر نوع خودش در پروژه‌ی خودش ظلمی صورت نگرفته است!

@MAHDISM\_12

@SERATEHAGHI